

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته

به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

تبیین عصمت

در بیانی از مقام امامت

۱۰ دی ۱۳۸۷

۱ صفر المظفر ۱۴۳۰

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است



« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

چکیده سخن؛

طبق آنچه تاکنون بیان شد معلوم گردید که اهل سنت بر عدالت تمامی صحابه پافشاری می‌کنند. در صورتی که بپذیریم رفتار و گفتار صحابه صحیح می‌باشد، این سخن در مواردی با عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ منافات پیدا می‌کند. بنابراین اگر قائل شویم اعمال صحابه صحیح و مطابق موازین شرعی می‌باشد، در مواردی که رفتار و گفتار آنان با عصمت و قداست پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعارض داشته باشد، دو راه بیشتر نداریم ۱ - از عدالت جمیع صحابه دست برداریم ۲ - عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را انکار کنیم یا آن را محدود به موارد خاصی نماییم.

اهل سنت در چنین آزمون دشواری، بر اصل عدالت تمامی صحابه پافشاری می‌کنند و عصمت را به صورت محدود می‌پذیرند. اینان شواهدی از آیات قرآن ذکر می‌کنند تا اثبات نمایند عصمت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تنها در مقام تلقی و ابلاغ وحی می‌باشد اما در اموری که وحی از جانب خداوند متعال نرسیده و نیز در امور جاری زندگی (شخصی و اجتماعی) پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند دیگر انسان‌ها به افکار و آرای

خویش مراجعه و اجتهاد می‌کند، پس ایشان نیز امکان دارد در افکار و اجتهادات دچار اشتباه شوند. از طرفی ممکن است صحابه نیز اجتهاد کنند و اتفاقاً نظر آنان درست و مطابق با واقع باشد و مورد پذیرش عمومی قرار بگیرد. در سخنان گذشته شواهدی را که طرفداران نظریه عدالت صحابه از آیات بیان کرده‌اند و بر اساس آن عصمت خاتم الأنبياء ﷺ را انکار کرده‌اند، مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم.

استدلال به آیات:

اهل سنت برای محدود کردن عصمت پیامبر ﷺ به آیات دیگری نیز استدلال می‌کنند که به حسب ظاهر خداوند متعال پیامبر ﷺ خود را مورد سرزنش، عتاب و اعتراض قرار می‌دهد. اگر این گونه آیات را بر حسب ظاهر بپذیریم نتیجه این می‌شود که تمام اعمال و رفتار پیامبر ﷺ مبتنی بر وحی نمی‌باشد و ایشان مانند دیگر انسان‌ها در سیر زندگی خود مصون و ایمن از خطا و اشتباه نمی‌باشند.

ابتدا به نقل آیات می‌پردازیم و بعد از آن پاسخ تفصیلی را بیان می‌کنیم:

۱ - ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ﴾^(۱).

خداوند تو را بخشید، چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغگویان را بشناسی، به آنها اجازه دادی؟! (خوب بود صبر می‌کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند).

۱ - سوره توبه آیه ۴۳.

ظاهر آیه سخن از عفو و گذشت دارد. عفو و گذشت هم در جایی است که شخصی مرتکب اشتباه یا گناهی شده باشد.

۲ - ﴿عَبَسَ وَتَوَلَّى * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى * وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّى * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَى﴾ (۱).

چهره در هم کشید و روی برتافت * از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود * تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند * یا متذکر گردد و این تذکر به حال او مفید باشد.

در این آیات خداوند متعال رفتار پیامبر ﷺ را مورد سرزنش قرار می‌دهد.

۳ - ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (۲).

ای پیامبر! چرا چیزی را که خدا بر تو حلال کرده به خاطر جلب رضایت همسرانت بر خود حرام می‌کنی؟! و خداوند آمرزنده و رحیم است.

در این آیه نیز خداوند متعال پیامبر ﷺ را مورد سرزنش قرار می‌دهد که چرا به خاطر رضایت همسران خود حلال ما را حرام شمرده‌ای.

۴ - ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى﴾ (۳).

و تو را گم‌شده یافت و هدایت کرد.

۱ - سوره عبس آیات ۴ - ۱.

۲ - سوره تحریم آیه ۳.

۳ - سوره ضحی، آیه ۷.

در این آیه خداوند سبحان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را مورد خطاب قرار می‌دهد که تو از حق و حقیقت گمراه و روی گردان بودی و این ما بودیم که دست تو را گرفته و هدایت نمودیم.

۵ - ﴿وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾ (۱).

و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند، و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی.

طبق این آیه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از مردم ترس و واهمه داشته‌اند و می‌توان تصور کرد که تحت تأثیر ترس و واهمه خویش به نفع اشخاصی سخن گفته و یا حقی را کتمان کنند.

۶ - ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا﴾ (۲).

ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم * تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد و نعمتش را بر تو تمام کند و به راه راست هدایتت فرماید.

طبق ظاهر آیه، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرتکب گناهی بوده که خداوند به واسطه فتح مکه از آنها چشم پوشی می‌کند.

۱ - سوره احزاب، آیه ۳۷.

۲ - سوره فتح، آیات ۲ - ۱.

۷ - ﴿وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ
وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۱).

به تو و همه پیامبران پیشین وحی شده که اگر مشرک شوی، تمام اعمالت تباه می‌شود و از زیان کاران خواهی بود. براساس ظاهر این آیه، احتمال شرک در مورد پیامبر ﷺ احتمال بعیدی نمی‌باشد. لذا خداوند، پیامبر ﷺ را از عواقب شرک مطلع می‌سازد.

۸ - ﴿لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ
الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبَ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُوفٌ
رَحِيمٌ﴾^(۲).

مسلماً خداوند رحمت [توبه] خود را شامل حال پیامبر و مهاجران و انصار، که در زمان حسرت و شدت از او پیروی کردند نمود، بعد از آنکه نزدیک بود دلهای گروهی از آنها، از حق منحرف شود، پس خداوند توبه آنها را پذیرفت، که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است.

مطابق ظاهر آیه، خداوند متعال توبه پیامبر ﷺ و صحابه را می‌پذیرد و مسلماً توبه در جایی است که انسان مرتکب گناهی شده باشد.

۹ - ﴿وَلَوْلَا أَنْ تَبَتَّنَاكَ لَقَدْ كُنتَ تَرَكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾^(۳).

۱ - سوره زمر، آیه ۶۵.

۲ - سوره توبه، آیه ۱۱۷.

۳ - سوره اسراء، آیه ۷۴.

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌ساختیم، نزدیک بود اندکی به آنان تمایل کنی.

طبق ظاهر آیه، پیامبر ﷺ در دل به مشرکان تمایل داشته‌اند، اما عنایت خداوندی شامل حال ایشان شد تا از مشرکان روی گردان شوند. آیاتی که ذکر شد مجموعه‌ای از آیات است که اهل سنت به آنها استدلال کرده و چنین می‌گویند: در مورد پیامبر ﷺ نیز در غیر موارد وحی احتمال خطا و اشتباه می‌رود چون ایشان مانند دیگران اجتهاد می‌کنند و ممکن است در مقدمات اجتهاد دچار اشتباه شوند. و از طرف دیگر امکان دارد بعضی از صحابه نیز اجتهاد کنند و بر خلاف پیامبر ﷺ دچار اشتباه نشوند!

نکته‌ای مهم و اساسی

قبل از پاسخ به این شبهات لازم است نکته‌ای را یادآور شویم و آن اینکه تمام این کج اندیشی و بدفهمی‌ها در تفسیر و تأویل آیات قرآن به خاطر انحراف اهل سنت از منبع علوم یعنی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد. اگر بخواهیم آیات قرآن را با عقول ناقص خود تأویل و تفسیر کنیم، مطمئناً دچار چنین اشتباهات بزرگی خواهیم شد. متأسفانه این اشتباه بزرگ دامن گیر متأخرین اهل سنت مخصوصاً پیروان ابن تیمیّه و محمد بن عبدالوهاب نیز شده است.

پاسخ حضرت امام رضا علیه‌السلام به شبهات فوق

در پاسخ به آیات مورد استناد اهل سنت، روایت مفصّلی را نقل می‌کنیم. این

روایت در کتاب احتجاج شیخ طبرسی رحمته الله علیه نقل شده است. مأمون سؤالات قرآنی فراوانی داشت. وقتی فرصت را مناسب دید برای رفع اشکالات و شبهات خود سؤالاتی را از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید ^(۱). اینک به نقل روایت می‌پردازیم:

«روى عن عليّ بن الجهم أنّه قال: حَضَرْتُ مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ وَعِنْدَهُ الرِّضَاءُ علیه السلام، فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونُ: أَلَيْسَ مِنْ قَوْلِكَ إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ مَعْصُومُونَ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾ ^(۲).

علی بن جهم می‌گوید: نزد مأمون آمدم در حالی که امام رضا علیه السلام هم در آن مجلس حضور داشتند. پس مأمون از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: آیا شما نمی‌فرمایید: پیامبران معصوم هستند؟ امام علیه السلام فرمودند: بله، مأمون سؤال کرد: پس معنای کلام خداوند متعال چیست که می‌فرماید: (آدم نافرمانی خدای خود کرد و گمراه شد).

امام علیه السلام نخست این نکته را یادآور می‌شوند که شیطان سراغ آدم و حوا علیهم السلام آمد و آنها را اغوا نمود:

فَقَالَ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَالَ لِآدَمَ علیه السلام: ﴿اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ

۱ - براساس این روایت روشن می‌شود که شبهات یاد شده جدید و تازه نیست بلکه تاریخ آنها به زمان مأمون و حتی قبل از آن می‌رسد.

۲ - سوره طه، آیه ۱۲۱.

النَّالِمِينَ ﴿۱﴾ ولم يقل لهما لا تأكلا من هذه الشجرة ولا مما كان من جنسها فلم يقربا تلك الشجرة وإنما أكلا من غيرها إذ وسوس الشيطان إليهما وقال: ﴿مَا نَهَاكُمْ رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ﴾ ﴿۲﴾ وإنما نهاكما أن تقربا غيرها ولم ينهكما عن الأكل منها: ﴿إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَائِكِينَ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ﴾ * وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿۳﴾ ولم يكن آدم وحوًا شاهدًا قبل ذلك من يحلف بالله كاذبًا ﴿فَدَلَاهُمَا بِغُرُورٍ﴾ ﴿۴﴾ فأكلا منها ثقةً بيمينه بالله.

امام رضا علیه السلام فرمودند: خداوند متعال به آدم فرمود: (ای آدم تو با جفت خود در بهشت رایگان و بی زحمت جای گزینید و بخورید از طعامهای بهشت از هر چه می خواهید و نزدیک نشوید به این درخت که اگر نزدیک شوید از جمله ستمکاران خواهید بود) ولی خداوند به ایشان فرمود که از این درخت نخورید و نه از درختانی که از جنس این درخت می باشد. پس آدم و حوا نزدیک آن درخت نرفتند و تنها از دیگر درختان می خوردند. تا جایی که شیطان درون آنها وسوسه کرده و گفت: (خداوند شما را از این درخت نهی نکرده بلکه دستور داده که از آن نخورید، برای اینکه مبادا دو پادشاه شوید یا عمر جاویدان یابید. و بر آن سوگند یاد کرد که من

۱- سوره بقره، آیه ۳۵.

۲- سوره اعراف، آیه ۲۰.

۳- سوره اعراف، آیات ۲۱ - ۲۰.

۴- سوره اعراف، آیه ۲۲.

خیرخواه شما هستم، شما را بخیر و صلاح راهنمایی می‌کنم) درحالی که آدم و حوّا قبل از این قضیه، کسی را که به دروغ به خداوند قسم یاد کند، مشاهده نکرده بودند. پس آنان را به فریب و دروغ راهنمایی نمود. پس آدم و حوّا به خاطر اعتماد به قسم و سخن شیطان از آن درخت ممنوعه تناول نمودند. در ادامه روایت، امام رضا علیه السلام نکته جالب دیگری را یادآور می‌شوند و آن اینک:

وَكَانَ ذَلِكَ مِنْ آدَمَ قَبْلَ النَّبِيِّ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ بِذَنْبِ كَبِيرٍ اسْتَحَقَّ دُخُولَ النَّارِ وَ إِنَّمَا كَانَ مِنَ الصَّغَائِرِ الْمَوْهُوبَةِ الَّتِي تَجُوزُ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ قَبْلَ نَزُولِ الْوَحْيِ عَلَيْهِمْ فَلَمَّا اجْتَبَاهُ اللَّهُ تَعَالَى وَ جَعَلَهُ نَبِيًّا كَانَ مَعْصُومًا لَا يَذُنِبُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً. قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى ﴿^(۱)﴾، وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ ^(۲).

این گناه آدم علیه السلام قبل از نبی شدن بود و گناه کبیره‌ای که جزای آن دخول در آتش باشد نبود. بلکه از گناهان صغیره‌ای بود که قبل از نزول وحی بر انبیاء، صدور این گناه از آنان جایز می‌باشد. پس زمانی که خداوند متعال آدم علیه السلام را برای نبوت برگزید و او به این مقام نائل شد و به مقام عصمت رسیده، هیچ گناه صغیره یا

۱ - سوره طه آیات، ۱۲۲ - ۱۲۱.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۳۳.

کبیره‌ای را مرتکب نشد. چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: (و آدم نافرمانی خدای خود کرد و گمراه شد. سپس خداوند توبه او را پذیرفت و هدایتش فرمود و به مقام نبوتش برگزید) همچنین خداوند متعال می‌فرماید: (خداوند، آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد).

«ثم قال المأمون: فماعمى قول الله عزوجل ﴿فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا﴾^(۱):

سپس مأمون گفت: معنای این سخن خداوند متعال: (پس چون خداوند به آنها فرزندی صالح داد او را در آنچه به آنها عطا گردیده، شریک قرار دادند)، چیست؟

فقال الرضا عليه السلام: إنَّ حواءَ ولدت خمس مائة بطن في كلِّ بطنٍ ذكر وانثى وإنَّ آدمَ و حواءَ عاهدا الله ودعواه قالا: ﴿لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا لَّنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾^(۲) فلَمَّا آتَاهُمَا صالحين من النَّسْلِ خلقاً سوياً بريئاً من الزمانه والعاهة، كان ما آتاهما صنفين: صنفاً ذكراناً وصنفاً اناثاً، فجعل الصنفان لله تعالى شركاء فيما آتاهما ولم يشكراه شكر أبويهما له عزوجل، قال الله تعالى: ﴿فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾^(۳) فقال المأمون: أشهد أنك ابن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم [حقاً].

۱- سورة اعراف، آیه ۱۹۰.

۲- سورة اعراف، آیه ۱۸۹.

۳- سورة اعراف، آیه ۱۹۰.

امام رضا علیه السلام فرمودند: به درستی که حوّا پانصد مرتبه فرزند به دنیا آورد در هر نوبت فرزندی مذکر و فرزندی مؤنث (دوقلو) به دنیا آورد. آدم و حوا با خداوند متعال عهد بسته و دعا کردند پس گفتند: (ای پرودگار! اگر به ما فرزند صالح عطا کردی بر این نعمت البته از شکرگزاران تو خواهیم بود) پس خداوند متعال به آن دو نسل های صالح و سالم از آفات و بلاها عطا نمود. ولی این دو نسل و صنف مذکر و مؤنث برای خداوند متعال شریک قائل شدند و مانند پدر و مادر خود شکرگزار خداوند نبودند و خداوند متعال را بر نعمت های فراوان شکرگزاری نکردند، خداوند متعال فرمود: (پس خداوند متعال برتر است از آنچه بر او مشرکان گویند) پس مأمون گفت: شهادت می دهم به اینکه شما فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستید.

حضرت امام رضا علیه السلام فعل (یشرکون) را قرینه قرار می دهند بر اینکه منظور خداوند فرزندان آدم و حواء می باشد، زیرا این فعل به صیغه جمع است و منظور از آن آدم و حوا که دو نفر هستند، نمی تواند باشد.

اشتباه اهل سنت در این است که ضمیر تثنیه در آیه شریف را به آدم و حوا ارجاع می دهند در حالی که اگر علم خود را از اهل بیت علیهم السلام دریافت می نمودند، طبق قول حضرت امام رضا علیه السلام، ضمیر تثنیه را به دو صنف (صنف مذکر و صنف مؤنث) ارجاع می دادند.

مأمون در ادامه سؤالات قرآنی خود، در مورد حضرت ابراهیم و حضرت

موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ از حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَامُ سؤال می‌کند تا روایت به اینجا می‌رسد:

وقد قال الله لنبیِّه محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى﴾ ^(۱) يقول:

ألم يجدك وحيداً فأوى إليك الناس؟ ﴿وَوَجَدَكَ ضَالًّا﴾ يعني: عند قومك ﴿فَهَدَى﴾ ^(۲) أي هداهم إلى معرفتك ﴿وَوَجَدَكَ عَائِلًا﴾ فَأَغْنَى ^(۳) يقول: أغناك بأن جعل دعاءك مستجاباً. قال المأمون: بآرك الله فيك يابن رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

و خداوند متعال درباره پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: (آیا خداوند تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد) تفسیر آن چنین است: آیا تو را وحید و تنها نیافتیم پس مردم به سوی تو پناه آوردند (و تو را گمراه و حیران یافت)، به این معنی است که تو نزد قومت گمراه شمرده می‌شدی پس هدایت شدی. یعنی هدایت کردی قوم خودت را به شناخت خود و خدایت. (و تو را فقیر یافت پس توانمند نمود) تفسیر آن چنین است که خداوند تو را بی نیاز نمود به این صورت که دعایت را مستجاب می‌کند. پس مأمون در این هنگام گفت: ای فرزند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خداوند به شما برکت عنایت فرماید.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مورد توجه و اقبال مردم قرار گرفتند و از تنهایی بیرون آمدند به

۱- سوره الضحی، آیه ۶.

۲- سوره الضحی، آیه ۷.

۳- سوره الضحی، آیه ۸.

طوری که در اواخر عمر شریفشان فقط در واقعه غدیر بیش از صد هزار نفر حضور داشته و با ایشان نماز جماعت به پا داشتند.

مأمون به سؤالات خود ادامه می‌دهد:

فأخبرني عن قول الله عزّوجلّ: ﴿لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾^(۱) قال الرضا عليه السلام: لم يكن أحد عند مشركي أهل مكة أعظم ذنباً من رسول الله ﷺ، لأنهم كانوا يعبدون من دون الله ثلاث مائة وستين صنماً فلما جاءهم بالدعوة إلى كلمة الإخلاص كبر ذلك عليهم وعظم وقالوا: ﴿أَجْعَلِ الْإِلَهَةَ إِلَهًا وَاحِدًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ * وَأَنْطَلِقَ الْمَلَائِكَةُ مِنْهُمْ أَنْ أَمْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَى آلِهَتِكُمْ إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ * مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ إِنْ هَذَا إِلَّا اخْتِلَافٌ﴾^(۲) فلما فتح الله عزّوجلّ على نبيّه مكة، قال له: يا محمد ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا * لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ﴾^(۳) عند مشركي أهل مكة بدعائك إيتاهم إلى توحيد الله فيما تقدم و ما تأخر لأن مشركي مكة أسلم بعضهم وخرج بعضهم عن مكة ومن بقي منهم لا يقدر على انكار التوحيد عليه إذا دعى الناس إليه فصار ذنبه عندهم مغفوراً بظهوره عليهم فقال المأمون: لله درك يا أبا الحسن.

پس به من بگو در مورد قول خداوند متعال: (تا خداوند گناهان

۱- سوره فتح، آیه ۲.

۲- سوره ص آیات ۷-۵.

۳- سوره فتح، آیات ۲-۱.

گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشند) امام رضا علیه السلام فرمودند: نزد مشرکین اهل مکه هیچ شخصی گناه کارتر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم محسوب نمی‌شد به خاطر اینکه مشرکین سب و شصت بت (به تعداد روزهای سال قمری) را می‌پرستیدند. پس زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنها را به توحید فراخواندند، بر آنان سخت و ناگوار آمد و گفتند: (آیا او به جای این همه خدایان، خدای واحدی قرار داده؟! این به راستی چیز عجیبی است. سرکردگان آنها بیرون آمدند و گفتند: بروید و خدایتان را محکم بچسبید، این چیزی است که خواسته‌اند (شما را گمراه کنند) ما هرگز چنین چیزی در آئین واپسین نشنیده‌ایم، این تنها یک آئین ساختگی است). پس زمانی که خداوند مکه را به فتح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آورد، فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم] (ما برای تو پیروزی آشکاری فراهم ساختیم تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشند) گناهایی که اهل مکه، به خاطر اینکه آنان را به توحید دعوت کردی، برای تو عیب می‌شمردند. گناهان گذشته و آینده، به خاطر اینکه بعضی از مشرکین اهل مکه اسلام آوردند و بعضی هم از مکه خارج شدند، و کسانی هم که در مکه مانده بودند قدرت انکار توحید را نداشتند، گناهان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، به خاطر پیروزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مشرکان در نزد آنان بخشیده شد. مأمون به امام رضا علیه السلام عرض کرد: خداوند به شما پاداش دهد.

نکته‌ای که در این روایت مهم به نظر می‌رسد این است که علت باید با معلول هماهنگ باشد لذا نمی‌توان گفت که فتح مکه دلیلی می‌شود بر اینکه گناهان پیامبر ﷺ بخشیده شود، بنابر این پاسخ حضرت امام رضا علیه السلام کاملاً منطقی خواهد بود.

باز مأمون در ادامه سؤال می‌کند:

فأخبرني عن قول الله عز وجل ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ﴾^(۱) فقال
الرضا عليه السلام: هذا مما نزل بإتيك أعني واسمعي يا جاره خاطب الله بذلك
نبيّه صلى الله عليه وآله وأراد به أمته وكذلك قوله تعالى: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ
عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾^(۲) وقوله عز وجل ﴿وَلَوْلَا أَنْ تَبَنَّكَ لَقَدْ
كِدْتَ تَرَكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا﴾^(۳) قال المأمون: صدقت يا بن رسول
الله صلى الله عليه وآله.

پس در مورد قول خداوند متعال: (خداوند تو را ببخشد، چرا پیش از آنکه راستگویان و دروغ‌گویان را بشناسی به آنها اجازه دادی)، مرا مطلع ساز. امام رضا علیه السلام فرمودند: این آیه از باب (به تو می‌گویم ولی همسایه بشنود)^(۴) است. خداوند متعال، پیامبر صلى الله عليه وآله را مورد خطاب قرار داده است ولی امت پیامبر صلى الله عليه وآله را اراده

۱ - سوره توبه، آیه ۴۳.

۲ - سوره زمر، آیه ۶۵.

۳ - سوره اسراء، آیه ۷۴.

۴ - این ضرب المثل عربی است و معادل آن در زبان فارسی (به در می‌گوید که دیوار بشنود) این روش یکی از بهترین روش‌های تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان می‌باشد.

فرموده است. و همچنین است فرموده خداوند متعال: (اگر مشرک شوی، تمام اعمال تو تباه می شود و از زیانکاران خواهی بود) و همچنین قول خداوند متعال: (و اگر ما تو را ثابت قدم نمی ساختیم نزدیک بود اندکی به آنان تمایل کنی). در اینجا مأمون گفت: ای فرزند رسول خدا ﷺ راست گفتمی.

مأمون آخرین سؤال خود را از حضرت امام رضا علیه السلام چنین می پرسد:

فأخبرني عن قولِ الله عزَّوجلَّ: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ﴾^(۱) قال الرضا عليه السلام: إن رسول الله ﷺ قصد دار زید بن حارثة بن شراحیل الکلبی فی امرِ اراده، فرأی امرأته تغتسل، فقال لها: سبحان الذي خلقك وإنما أراد بذلك تنزيه الله عن قولٍ من زعم: أن الملائكة بنات الله فقال الله عزَّوجلَّ: ﴿أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا﴾^(۲) فقال النبي ﷺ لما رآها تغتسل: سبحان الذي خلقك أن يتخذ ولداً يحتاج إلى هذا التطهير والإغتسال.

پس به من بگو در مورد قول خداوند متعال: (به خاطر بیاور زمانی را که به آن کس که خداوند به او نعمت داده بود و تو نیز به او نعمت داده بودی، می گفتمی: همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز، و در

۱ - سورة احزاب، آیه ۳۷.

۲ - سورة اسراء، آیه ۴۰.

دل چیزی را پنهان می داشتی که خداوند آن را آشکار می کند، و از مردم می ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی). حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قصد کرد برای کاری به منزل زید بن حارثه بن شراحیل الکلبی برود. پس متوجه شد که همسر او استحمام می کند. پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: پاک و منزّه است خدایی که تو را آفرید، در حالی که اراده کرد خداوند را منزّه کند از قول کسی که گمان می کند ملائکه دختران خداوند هستند. پس خداوند متعال فرمود: (آیا پروردگارتان فرزندان پسر را مخصوص شما ساخته و خودش دخترانی را از فرشتگان برگزیده است؟! شما سخن بزرگی می گوید). پس زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را در حال استحمام دید فرمودند: خداوندی که تو را آفرید منزّه است از این که فرزندی اختیار کند که به تطهیر و غسل نیاز داشته باشد.

فلما عاد زید إلى منزله أخبرته امرأته بمجيء رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقوله لها سبحان الذي خلقك فلم يعلم زيد ما أراد بذلك وظنّ أنه قال ذلك لما أعجبه من حسنها، ف جاء إلى النبي صلی الله علیه و آله و سلم فقال: يا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم إن إمرأتي في خلقها سوء وإني أريد طلاقها، فقال له النبي صلی الله علیه و آله و سلم: ﴿أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ﴾^(۱) وقد كان الله عرفه عدد أزواجه وأنّ تلك المرأة منهنّ، فأخفى ذلك في نفسه ولم يبده لزيد و خشي

۱ - سورة احزاب، آیه ۳۷.

النَّاسُ أَنْ يَقُولُوا: إِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [يقول لمولاه: إِنَّ امْرَأَتَكَ سَتَكُونُ لِي زَوْجَةً فَيَعْبُوهُ بِذَلِكَ.

پس زمانی که زید به منزلش بازگشت، همسرش به او گفت: پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به اینجا آمدند و فرمودند: منزّه است خدایی که تو را آفرید. زید منظور پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را ندانست و گمان کرد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خاطر زیبایی همسر وی چنین فرموده است. پس نزد پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد: زن من بد اخلاق است و قصد دارم او را طلاق بدهم. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به زید فرمودند: (همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز). در حالی که خداوند به پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تعداد همسران ایشان را خبر داده بود و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم می دانستند که زن زید هم در شمار زنانی است که خداوند برای او نام برده است. ولی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این مطلب را در دل خود مخفی نگاه داشتند برای زید بیان نفرمودند، چون می ترسیدند که مردم طعنه بزنند و بگویند: محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [به بنده آزاد شده اش گفته است که همسر تو روزی همسر من خواهد شد. و این را بر پیامبر عیب بگیرند.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: ﴿وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ ﴿۱﴾ يَعْنِي بِالْإِسْلَامِ ﴿۱﴾ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ ﴿۲﴾ يَعْنِي بِالْعَتَقِ ﴿۳﴾ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ﴿۴﴾ (۱) ثُمَّ إِنَّ

زید بن حارثه طَلَّقَهَا واعتدت منه، فزَوَّجَهَا اللهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَأَنْزَلَ بِذَلِكَ قُرْآنًا، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: ﴿فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾^(۱) ثُمَّ عَلِمَ عَزَّوَجَلَّ أَنَّ الْمُنَافِقِينَ سَيَعْبُوهُ بِتَزْوِيجِهَا، فَأَنْزَلَ اللهُ: ﴿مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللهُ لَهُ﴾^(۲)، فَقَالَ الْمَأْمُونُ: لَقَدْ شَفِيتُ صَدْرِي يَا بِنِ رَسُولِ اللهِ ﷺ وَأَوْضَحْتُ لِي مَا كَانَ مَلْتَبِسًا^(۳).

پس خداوند متعال این آیه را نازل فرمود: (زمانی که گفت کسی که بر او نعمت داده بود)، یعنی خداوند به او نعمت اسلام بخشیده بود، (و تو به او نعمت داده بودی) یعنی او را از بردگی آزاد ساختی (همسرت را نگاه دار و از خدا بپرهیز، و در دل چیزی را پنهان می‌داشتی که خداوند آن را آشکار می‌کند و از مردم می‌ترسیدی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی) بعد از آن زید بن حارثه همسر خود را طلاق داد و آن زن عدّه نگه داشت، پس خداوند متعال این زن را به همسری پیامبر ﷺ در آورد و در مورد این واقعه چنین فرمود: (هنگامی که زید نیازش را از آن زن به سر آورد و از او جدا شد، ما او را به همسری تو در

۱- سوره احزاب، آیه ۳۷.

۲- سوره احزاب، آیه ۳۸.

۳- الاحتجاج، صفحه ۴۲۶.

آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خوانده‌هایشان - هنگامی که طلاق می‌گیرند - نباشد و فرمان خدا انجام شدنی است). سپس خداوند متعال می‌دانست که مشرکان به زودی این ازدواج را برای پیامبر ﷺ عیب می‌شمارند پس این آیه را نازل فرمود: (هیچ‌گونه منعی بر پیامبر ﷺ در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست). پس مأمون گفت: ای فرزند رسول خدا ﷺ [قلب مرا آرام ساختی و مشکلاتم را برطرف نمودی]. امام رضا علیه السلام با منطقی قرآنی و برهانی استوار به شبهات و اشکالات مأمون پاسخ دادند و مانیز به پشتوانه همان برهان محکم، دلایل علیل اهل سنت را پاسخ دادیم و بنای پوشالی آنان را فرو ریختیم.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

خودآزمایی

- ① اهل سنت، عصمت پیامبر ﷺ را در چه محدوده‌ای می‌دانند؟
- ② اهل سنت برای اثبات خطا و اشتباه در قول و فعل پیامبر ﷺ به چه آیاتی استناد می‌نمایند؟
- ③ علت اساسی اشتباه اهل سنت در تفسیر و تأویل آیات قرآن مجید در چه نکته‌ای نهفته است؟
- ④ حضرت امام رضا علیه السلام نافرمانی حضرت آدم علیه السلام را چگونه تفسیر و تبیین نمودند؟
- ⑤ بنا بر تفسیر حضرت امام رضا علیه السلام آیا حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از اینکه صاحب فرزند شدند به خداوند شرک ورزیدند؟
- ⑥ حضرت امام رضا علیه السلام آیات مورد سؤال مأمون در سوره ضحی را چگونه تفسیر کردند؟
- ⑦ منظور از گناهان گذشته و آینده رسول الله ﷺ که مورد امرزش خداوند قرار گرفت، چیست؟
- ⑧ آیاتی که مخاطب اصلی آن مسلمانان می‌باشند ولی به ظاهر خطاب به پیامبر ﷺ می‌باشد را بیان کنید.
- ⑨ امام رضا علیه السلام داستان همسر زید بن حارثه را چگونه بیان می‌کنند؟

قبل از پاسخ به این شبهات لازم است نکته‌ای را یادآور شویم و آن اینکه تمام این کج اندیشی و بدفهمی‌ها در تفسیر و تأویل آیات قرآن به خاطر انحراف اهل سنت از منبع علوم یعنی ائمه علیهم‌السلام می‌باشد. اگر بخواهیم آیات قرآن را با عقول ناقص خود تأویل و تفسیر کنیم، مطمئناً دچار چنین اشتباهات بزرگی خواهیم شد. متأسفانه این اشتباه بزرگ دامن گیر متأخرین اهل سنت مخصوصاً پیروان ابن تیمیّه و محمد بن عبدالوهاب نیز شده است.

پاسخ امام رضا علیه‌السلام به شبهات فوق در پاسخ به آیات مورد استناد اهل سنت، روایت مفصلی را نقل می‌کنیم. این روایت در کتاب احتجاج شیخ طبرسی رحمته‌الله نقل شده است. مأمون سؤالات قرآنی فراوانی داشت. وقتی فرصت را مناسب دید برای رفع اشکالات و شبهات خود سؤالاتی را از حضرت امام رضا علیه‌السلام پرسید. اینک به نقل روایت می‌پردازیم...
(صفحه ۸ از همین جزوه)

- محل عرضه CD جلسات به سوی معرفت :
- ابتدای خیابان امام، جنب قائمیه، فروشگاه آوای مهر.
- شماره سیستم پیام کوتاه (SMS) ۳۰۰۰۷۲۲۷۰۸ می‌باشد.
- در صورت تمایل به دریافت پیام کوتاه جلسات، شماره تلفن همراه خود یا دوستانتان را با نام به سیستم ارسال کنید.

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یثربی رحمته‌الله

تلفن : ۴۴۴۴۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷ - ۴۴۴۹۹۳۳ : نماپر:

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

www.yasrebi.ir

به سوی معرفت ۷۹

۲۵